

نقش اعداد در ارائه مفهومی آثار هنر معاصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

کد مقاله: ۴۹۵۷۸

راضیه مختاری دهکردی^۱، منیژه انواری^۲

چکیده

حضور اعداد در آثار هنر به صورت ضمنی و تلویحی همیشه دغدغه ای برای پژوهشگران بوده است، هر چند که این حضور به صورت واضح نبوده است. در هنر های معاصر، اعداد نقش جدیدی در اثر هنری ایفا می کنند و کیفیت جدیدی می یابند به طوری که ترسیم واضح اعداد شکل می گیرد. چگونگی حضور اعداد در ارائه مفهومی آثار هنر معاصر مساله پژوهش حاضر است و قصد بر آن است نقش اعداد در آثار هنری نوی، شناسایی و تبیین گردد. بنابراین اصلی ترین سوال این است که اعداد چه نقشی در ارائه مفهومی آثار هنری معاصر داشته است و کیفیت بصری اعداد در هنر معاصر چگونه بوده است؟ برای دست یابی به اهداف مورد نظر، روش تحقیق کیفی با ماهیتی توصیفی - تحلیلی اتخاذ گردید و آثار مورد مطالعه که از طریق منابع کتابخانه ای جمع آوری شده اند، به شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. همچنین روش نمونه گیری به صورت هدفمند در راستای اهداف پژوهش با تمرکز بر آثار هنرمندانی که به ترسیم اعداد به شیوه ای مفهومی پرداخته اند، صورت گرفته است. در نهایت نتایج حاصله نشان از آن داشت که اعداد در آثار هنری معاصر کیفیتی استعاری و گاهی حاوی اشارات متافیزیکی است که از طریق ظرفیت ارائه مفهومی هنر مهیا شده است. دیگر نتایج پژوهش نشان می دهد که هنرمندان معاصر از اعداد به منظور نمایش استفاده کرده اند و بستری مناسب برای ارائه مفاهیم مرتب با زمان دیده اند.

واژگان کلیدی: اعداد، هنر معاصر، هنر مفهومی، هنر جدید

۱- استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی لباس و مدرس دانشگاه

۱- مقدمه

اعداد در فرهنگ و مکاتب گوناگون از سویه کیفی، معنایی و گاه از قدرت جادویی برخوردار بوده است. این وجه نمادین طی ادوار گوناگون نه تنها حذف نشده است، بلکه همچنان با تغییراتی جزئی به حیات خود ادامه داده است و در بسیاری از ادوار علاوه بر مفاهیم منحصر به فرد عددی بر مصادیق مقدس و خوش یمنی دلالت دارد. هم چنین اعداد از جمله موارد رایجی است که در هنر جایگاه قابل توجهی دارد و از قدیم چه به صورت کمی و چه به صورت کیفی مورد توجه بوده است. این مقوله بیش از پیش توجه هنرمندان معاصر را به خود جلب کرده است. در آثار هنری معاصر تنها با جنبه کیفی اعداد روبرو نخواهیم بود و جنبه کمی و فیگوراتیو اعداد اهمیت شایانی می یابند. این مقوله به شکل ضمیری ناخودآگاه در لایه های گوناگون جامعه رخنه کرده و باعث شده تا هنرمندان بسیاری در عرصه های هنری متفاوت به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از ابعاد کمی و کیفی اعداد سود جویند. پژوهش حاضر بر آن است تا با هدف نقش اعداد در ارائه مفهومی آثار هنری معاصر را مورد مطالعه قرار دهد و از این رهگذر مشخص کند که چگونه اعداد در ارائه مفهومی آثار هنری معاصر تأثیر گذاشته است و کیفیت بصری و فیگوراتیو اعداد در هنر معاصر شناسایی کند. از آنجا که تاکنون تحقیقی درباره نقش اعداد در هنر جدید و معاصر صورت نگرفته و قطعاً شناسایی ابعاد مختلف این موضوع در درک هنر معاصر یاری می کند، انجام این پژوهش ضروری است.

۲- پیشینه پژوهش

هر چند پژوهش های اندکی درباره نقش اعداد در هنر های سنتی و یا معماری وجود دارد، با این جود تاکنون نقش اعداد در ارائه مفهومی آثار هنر معاصر مورد بررسی قرار نگرفته و ارتباط اعداد در هنر های جدید تا قبل از این پژوهش شناسایی نشده است.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش به روش کیفی و ماهیتی توصیفی، تحلیلی صورت گرفته است. برای جمع آوری اطلاعات اولیه از منابع کتابخانه و روش اسنادی بهره گرفته شد که برخی نمونه ها در فضای مجازی و اینترنت قابل دانلود و مشاهده بود و برخی موارد از کتاب ها دریافت گردید. با توجه به اینکه تمرکز بر آثار هنرمندان معاصر بوده است به صورت هدفمند تعداد ۳ نمونه از آثار اون کوارا، رومن اوپالکا و تاتسو میاجیما به عنوان نمونه های شاخص کاربرد اعداد در هنر جدید انتخاب گردید.

۴- جایگاه اعداد در زندگی بشر

اعداد در معنای لغوی مجموعه نام هایی است برای شمارش و اندازه گیری اجسام تعریف شده است (جعفری نائینی، ۱۳۸۵، ۳۷۰). همچنین عدد را می توان یکی از پایه های علم ریاضی دانست که به مدد آن هر شیء مورد محاسبه و شمارش قرار می گیرد، به گونه ای که معین در فرهنگنامه خویش عدد را معادل شماره و به معنای شمردن اشیاء مطرح کرده است (معین، ۱۳۷۱، ۱۱۶۳). اما اعداد صرفاً در انحصار سویه ریاضی و شمارشی نیست و از ابتدا به دو بخش کمی و کیفی تقسیم میشود. کاربرد کمی اعداد در علوم شمارشی به منظور اندازه گیری معنا می یابد و سویه کیفی آن همراه با تقدس و احترام در تعاملات فرهنگی و سنت های جامعه تجلی می یابد. این دو سویه با یکدیگر در ارتباط اند. به طوری که حتی ممکن است زمانی که اعداد برای شمارش و یا مقاصد علمی به کار می روند دارای مفاهیم یا اشارهگر غیرمستقیم عناصر اسطوره های باشد (یونگ، ۱۳۷۷، ۳۶۷)، از این رو دو وجه کمی و کیفی اعداد توأمان همراه یکدیگر هستند. اما علیرغم این همراهی در برخی از ادوار سویه ای بر وجه دیگر تقدم و مستولی می یابد. به عنوان نمونه در دوره پیش از تاریخ به سبب وجود اعتقادات جادویی و توسل به نیروهای فرازمینی، اعداد از قالبی مقدس برخوردار بودند و برایشان قدرت های جادویی قائل می شده اند.

به همین دلیل در این دوره و ادوار مشابه با آن، که کاربرد کمی اعداد نیز رایج بوده، سویه کیفی اعداد بر بُعد کمی آن قالب بوده است. به عبارت دیگر می توان اظهار داشت که اعداد کمی مرتبه تنزل یافته از اعداد کیفی بوده اند و اعداد کیفی حامل معنای والایی هستند که در هر دو حوزه مراتب حقیقت متجلی می شود (بمانیان و صفاییپور، ۱۳۹۱، ۱۳). در برخی از ادوار این تفکر چنین استوار است که عددها نسبتی بین جهان انسانی و عالم هستی برقرار می کند (رامین و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۷۷).

ریشه توجه به سویه نمادین اعداد به زمان پیش از تاریخ و دوران نوسنگی بازمیگردد، زیرا در این عصر اعتقاد به قدرتهای جادویی اعداد و همچنین تعبیرات خاص عددی نظیر هفت آسمان و چهار جهت اصلی وجود داشته و این امر موجب شکلگ گیری جایگاهی ویژه برای اعداد شده است (سرلو، ۱۳۸۹، ۲۰). به عبارت دیگر، ارزش قائل شدن قدرت جادویی برای اعداد، مدیون عقاید انسان ابتدایی است که در پی ناتوانی خویش در مقابل تهدیدات طبیعی و محیطی خویش دست به گریبان قدرتهای جادویی شد تا

بدین شکل بتواند از خویش محافظت کند. بنابراین در این عصر اعداد، که معیار شمارشی هستند، به حوزه فرهنگ و رسوم جامعه وارد و معیاری از نحسی یا طالع و بخت واقع می شود (ممتحن و خزاعی، ۱۳۹۰، ۱۶۶).

۵- نقش اعداد در هنر معاصر



تصویر ۱: جاسپر جانز (آمریکایی، متولد ۱۹۳۰). اعداد در رنگ، ۱۹۵۸-۱۹۵۹ نقاشی با موم مذاب و روزنامه روی بوم، ۱۶۸،۹ x ۱۲۵،۷ سانتی متر. مجموعه گالری هنری آلبرایت ناکس، بوفالو، نیویورک، ماخذ تصویر: www.albrightknox.org

در دوران معاصر حضور اعداد در آثار هنری پدیده جدیدی است که به طور فزاینده ای در آثار هنرمندان معاصر متأخر دیده می شود. حضور جدی نقش اعداد در هنر معاصر به جاسپر جونز، هنرمند آمریکایی باز می گردد. استفاده از اعداد در آثار او بسیار مهم است. حروفی آشنا اما در ظاهر انتزاعی هستند. اعداد و ارقام - از کد پستی تا شناسایی امنیت اجتماعی-زندگی ما را به طرق مختلف سازماندهی می کند، اما در حقیقت تنها در حد ایده هستند. آنها چیزهای ملموس برای جاسپر جونز نیستند او برای ایجاد اعداد رنگی از روش آمیزی encaustic نقاشی باستانی استفاده کرد که در آن رنگدانه در موم داغ حل می شود. (fig1) جاسپر جونز آثار متعددی از اعداد را از ۰ تا ۹ نقاشی کرده است که این آثار وجهی زیباشناسانه ندارند و معمولاً دلالت هایی فراتر از اثر ندارند. از آن جا که اعداد فی نفسه یک عنصر انتزاعی و مفهومی است، هنرمندان مفهومی آن را موضوعی مناسب دیدند و در آثارشان محوریت قرار دادند.

۶- نقش مفهومی اعداد در آثار اون کاوارا

آثار هنرمند آمریکایی ژاپنی الاصل اون کاوارا، این علاقه مندی به راهبرد استمرار و تکرار را در پیوند با مفهوم اعداد و "زمان" متجلی نموده است. او با توسل به نوعی مدیتیشن در زمان، شکل بدیع و متفاوتی از هنر مفهومی سریالی را به کمک اعداد پدیدار ساخت. مهمترین تجربه مفهومی او با ایده ی زمان، پروژه معروف به «مجموعه امروز»^۲ است که از ۴ ژانویه سال ۱۹۶۶ آغاز و بنا به گفته هنرمند تا حال حاضر ادامه دارد. این آثار به شکل ایستاده و یکنواخت و حاوی نوشته تاریخ عدد روز هستند که خیلی دقیق و مرتب به روی زمینه سیاه نقاشی شده اند. آنها محصول تعهد هنرمند با خودش هستند، مبنی بر اینکه تاریخ هر روز را با اعداد ساده روی یک یا چند بوم در همان روز نقاشی کند. کاوارا خودش رو موظف می دانست که تابلوهای هر روز را تا قبل از نیمه شب تمام کنند و در غیر این صورت آن را ناتمام رها سازد، چرا که پس از آن تابلو به ناچار به روز بعد و عدد دیگری اختصاص پیدا می کرد. (تصویر ۲)



تصویر ۲: اون کاوارا، مجموعه امروز، رنگ روغن روی بوم، هر یک ۲۵×۲۰ سانتی متر
ماخذ تصویر: www.nytimes.com

تولید این مجموعه تکراری از اعداد، همچون نوعی یادآوری و ذکر ایام، برای سالیان متمادی بدون هیچ گونه تغییری تداوم یافت و با عنوان جدید «نقاشی های تاریخ»^۳ به عرصه مارکت هنر کشیده شد. هدف اصلی در این تلاش ذن گونه، نه یک کیفیت تکنیکی، بلکه نوعی بیان مفهومی زمان به معنای ذکر گذر ایام و یا شاید متوقف کردن آن به مدد هنر بود.

کاوارا در سالهای اولیه این پروژه بریده هایی از روزنامه های همان روز را در پشت تابلو می چسباند تا بدین ترتیب خاطری آن روز مشخص را کامل تر ثبت کند. همچنین برای هر تابلو یک جعبه مقوایی درست می کرد که داخل آن پوشیده از اوراق جرابید روز

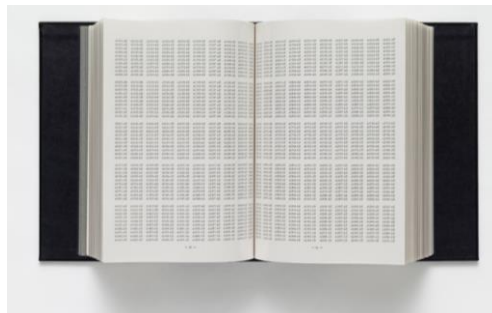
1 On Kawara
2 Today Series (1966)
3 Date Painting

تولید اثر بود. بین ترتیب حجم گسترده کار تعریف شده که می‌بایستی در انتهای یک روز به پایان رسیده و سپس برای همه ایام و سالیان متمادی ادامه یابد، خود به بخشی از ماهیت مفهومی اثر در ارتباط با چرخه ی کار و زندگی در ظرف زمان تبدیل می‌شود. او به تسخیر زمان و توقف آن در گذشته می‌اندیشید، اما در عین حال بر آن بود تا این رویکرد مفهومی را به صورت نوعی تابلوی نقاشی اگر چه بی‌اعتنا به ساختار فرم و زیبایی محقق سازد. (آزبورن، ۱۳۹۳، ۱۴۷) بدین شکل اعداد در قلمرو هنر مفهومی قرار می‌گرفتند و صرفاً شکلی زیباشناختی را نداشتند.

یک سال بعد کاوارا در حالی که پروژه قبلی را کماکان ادامه می‌داد، مجموعه دیگری را آغاز کرد که ظرفیت‌های پیچیده‌تری از اعداد را در پیوند با مفهوم زمان در مقام دستمایه هنر مفهومی به نمایش می‌گذاشت. این مجموعه به عنوان «یک میلیون سال - گذشته»^۱ در واقع مرکب از ده مجلد کتاب هر یک شامل ۲۰۰۰ صفحه، مجموعه ۲۰۰۰۰ صفحه، حاوی شمارگان یک میلیون سال است که از سال ۱۹۶۹ آغاز و به یک میلیون سال قبل ختم می‌شود. بدین ترتیب در لابه لابه این مجموعه صفحات این ده جلد کتاب قطور، تنها یک جدول منظم اعداد مشاهده می‌شود که در حقیقت به دوره ای از زمان و یا مفاهیم مرتبط با آن در قالب اعداد، همچون چرخه زمان، تکوین بشر، عمر هستی و ابتدا و انتهای جهان، اشاره دارند (تصویر ۳).

تعمق در معنا و اشارات این اعداد، به طور تکان دهنده ای ذهن را به طول عمر فرد و درازنای تاریخ معطوف می‌سازد. کافی است در نظر داشته باشیم که دوره‌ی میانگین زندگی یک انسان، تنها چند سطر از یک صفحه ی این ده مجلد کتاب ۲۰۰۰ صفحه ای را شامل می‌شود و اینکه کل تاریخ شناخته شده بشر تنها چند صفحه از یکی از ده کتاب را در بر می‌گیرد. در این صورت عمر مفهومی این شمارگان و اشارت‌های حیرت‌انگیز آنها به کوتاهی عمر بشر و ناچیز بودن تاریخ آن در پهنه هستی، تا حدودی دریافت می‌شود. این در حالی است که اثر مفهومی اعداد کاوارا تنها یک دوره ی یک میلیون ساله را در نظر گرفته، حال آنکه پژوهش‌های دانشمندان تاکنون چیزی بالغ بر ۱۳٫۷ میلیارد سال را برای عمر جهان تخمین زده است. دشوار بتوان اثری ادبی و هنری را سراغ گرفت که کوچکی انسان در گستره هستی و بزرگی عالم کائنات را به سادگی و صراحت این ۲۰۰۰۰ صفحه سریال اعداد متوالی، بیان دارد.

کاوارا در سال ۱۹۸۱ مجموعه مشابهی با عنوان «یک میلیون سال - آینده»^۲ را دقیقاً بر همان سیاق با درج اعداد سال‌ها، از آن سال تا یک میلیون سال بعد، خلق کرد. این مجموعه اما هرگز نتوانست همانند «یک میلیون سال - گذشته» مولد اندیشه و مبین مفهوم باشد؛ شاید بدین خاطر که ذهن انسان با راحتی بیشتری به گذشته سفر می‌کند تا به آینده. کاوارا کتاب‌های گذشته را با احترام به «همه کسانی که زندگی و سپس فوت کرده اند» تقدیم کرده و مجموعه آینده را نیز به «آخرین بازمانده» نوع بشر اهدا نموده است. (سمیع آذر، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۳)



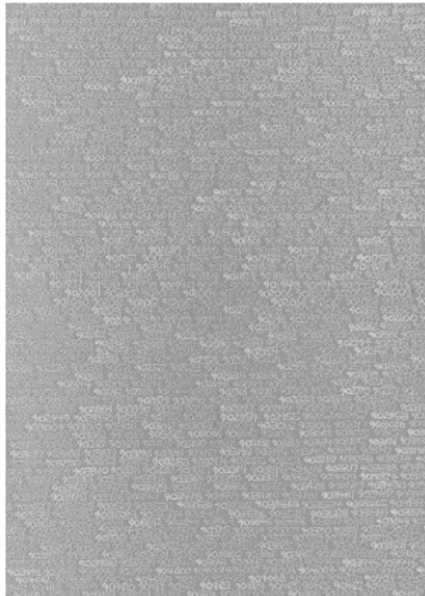
تصویر ۳- اون کاوارا، یک میلیون سال (گذشته)، ۱۹۶۹، ۱۰ مجلد کتاب ۲۰۰۰ صفحه ای،

(<https://www.guggenheim.org>)

۷- نقش مفهومی اعداد در آثار رومن اوپالکا

رومان اوپالکا (فرانسه، ۱۹۳۱) هنرمند مفهومی لهستانی است که ۴۵ سال پیش را به نقاشی تصاعد اعداد از ۱ تا بینهایت گذراند، تصاعدی بنیادین که از آن تغییر، وی به دنبال به تصویر کشیدن گذر زمان از طریق ترسیم اعداد بود. این مجموعه ادامه دار است که در سال ۱۹۶۵ شروع شد و در آن اوپالکا، بینهایت را در رابطه با عمل فردی شمارش به نقشه کشید. در این سال هنرمند شروع به نقاشی اعداد ۳، ۲، ۱... به روی بوم با استفاده از رنگ سفید کرد (شکل ۱).

1 One Million Years- Past (1969)
2 One Million Years- Future (1981)



تصویر ۴- رومان اوپالکا، اوپالکا ۱۹۶۵/۰۰-۱ جزئیات
۹۱۸۵۵۳-۸۹۳۱۴۷ (جزئیات)، بدون تاریخ، آکرلیک به
روی پارچه کتان، ۱۹۶ × ۱۳۵ cm. حسن نیت: ساملونگ
لنز شونبرگ، سول، اتریش.
(مأخذ: www.christies.com)

او اولین نقاشی را با عدد یک در سمت چپ بالای بوم شروع کرد و همین طور ادامه داد تا تمام بوم پر شد و به عدد ۳۵۳۲۷ رسید، بوم دوم درست بعد از بوم اول شروع میشود و اولین عدد آن ۳۵۳۲۸ بود. تمام بوم ها سایز یکسانی داشتند. رنگ عددها سفید بود که روی زمینه مشکی قرار گرفته بودند. اوپالکا در سال ۱۹۷۲، رنگ سفید را هم به زمینه سیاه اضافه کرد تا به زمینه خاکستری برسد. در هر نقاشی جدید، او مقدار سفید را یک درصد اضافه میکرد. در نتیجه ادغامی حاصل می شد از اعداد و پس زمینه ای که به رنگ سفید خواهد رسید. هر نقاشی با یک قلم موی پر شروع می شد و فقط زمانی دوباره در رنگ قرار می گرفت که دیگر هیچ رنگی روی قلم باقی نمانده باشد. بدین ترتیب تغییر غلظت رنگ نمایان میشود. اوپالکا در سمپوزیوم آمستردام «ساختارهای شخصی: زمان» در سال ۲۰۰۷ می گوید:

«همه دستگاه هایی که ما به عنوان ساعت می شناسیم، زمان را می گویند. اما من زمان را " نشان می دهم"، و این چیزی کاملاً متفاوت است. این راه حلی نقاشانه به چگونه میسر ساختن به تصویر کشیدن زمان است. بدین منظور، اعداد به بهترین نحو در مورد تصاعد، پویایی، یکپارچگی، و گسترش زمان را انجام می دهند» (Lodermeyer, 2010,42).

اوپالکا هر تصویر را در گوشه بالای سمت چپ و از چپ به راست و انتها در انتهای راست با استفاده از یک " عدد. صفر" شروع می کند و برای اطمینان از بعد خوانایی و گرافیکی اعداد کشیده شده برس می کشید. اعداد تقریباً ۵ میلی متر ارتفاع دارند، سائیزی که به سادگی برای هنرمند قابل رویت است که وی آن را "جزئیات" می نامد، هر یک از جزئیات سری های متوالی است که تا بینهایت ادامه دارد. با این وجود نقاشی های اوپالکا به تنهایی تصاعد اعداد بر روی بوم نبودند، بلکه حداقل سه جنبه اضافی برجسته آثار اوپالکا به تفسیر وی از زمان کمک می کند.

اول از همه، با رنگ پس زمینه بوم روبه رو می شویم. در حالیکه اعداد از ۱ تا بی نهایت به رنگ سفید کشیده شده است، رنگ پس زمینه به تدریج در طول زمان تغییر می کند. این تغییر قسمتی از عقیده اصلی است: اوپالکا با پس زمینه سیاه شروع می کند، با اضافه کردن ۱٪ رنگ سفید برای هر پس زمینه بوم برای سالهایی که خواهد آمد اوپالکا آثاری را شروع می کند که می تواند از طریق یک معادله ریاضیاتی سریع، نتیجه بگیرد که وی می تواند اعداد سفید به روی پس زمینه سفید در زمان ۷۵ سالگیش نقاشی کند. اوپالکا تا زمان مرگش یعنی سال ۲۰۱۱ به مدت پنج سال نقاشی سفید بر سفید کشید (تصویر ۴). قطعاً سفیدی، مسئله ایی برای اوپالکا بود؛ وی ایده سفید شدن موهایش بعد از سالها و روشن شدن چشمانش را دوست دارد. همچنین صحبت با او به زبان آلمانی به جناسی اجازه داد: weissheit (سفیدی) یا weisheit (حکمت). با این وجود نظرات وی، چندان واضح نیست. موقعیت اوپالکا در این مورد به نظر ترکیبی است: از طرفی، آگاهی داشتن راجع به کوتاهی زندگی باعث می شد که هر روز از زندگی اش لذت ببرد؛ از طرف دیگر به سر آوردن برنامه اش برای هنرمند فداکاری ایی است، که وی به نقاشی اعداد ادامه داد تا زمانی که وی بیش از این نتواند مستقیم در مقابل بومش بایستد (De Jongh and Gold, 2010,92).

نکته دوم این است که اوپالکا، در زمان نقاشی اعدادش، بصورت همزمان اعدادش را به روی ضبط صوتی با صدایی با صدای بلند و یکنواخت ضبط می کند. وی اعداد را با زبان لهستانی، زبان مادریش می گوید. همانند انگلیسی اعلام اعداد به زبان لهستانی منطقی بود: اعداد به ترتیب ظهور می آمدند؛ عدد "۸۵" بنابرین eighty-five به انگلیسی است و به زبان آلمانی funf-und-achtzig یا به فرانسه quatre-vingt-cinq است. این روش ایجاد اعداد به روی خطی بودن و توالی بیش از اطلاعات محض تاکید می کند. زمانیکه نقاشی هایش نشان داده می شود، صوت صدایش فضای گالری را پر می کرد و فضایی متفکرانه ایجاد می کرد.

صدا برای این نمایش‌ها ترکیبی از ضبط‌های مختلف اعداد گفتاری است؛ اعداد به صورت ترتیب تصادفی هدفمند، جهت انعکاس افکار نامنظم معمول شنیده می‌شود. هنرمند این ترکیب صدا و نمایش بصری از زمان را انتخاب کرد، زیرا ترکیب دو زمان را بصورت همزمان روشن می‌ساخت: زمان خطی نقاشی و زمان غیر خطی که به عنوان شخصی که نقاشی را مشاهده می‌کند، در سر خود تکرار می‌کند.

اوپالکا نه تنها گذر زمان بلکه گذر عمر را از طریق اعداد نشان می‌دهد. با استفاده از اعداد برای نشان دادن زمان، مشکلات فرمالیستی او نیز حل شد: عدد ۱ می‌تواند به عنوان شروع، جهتی را فراهم آورد؛ و چون اعداد بیکران هستند، تلویحاً هیچ پایانی نخواهد داشت. اوپالکا ادعا می‌کند که او در این برهه بهتر زمان و زندگی را در این نقطه درک می‌کند، هرچند که به سرعت درک عمیقتری را انکار می‌کند: «چطور شما میتوانید چیزی را به احمقی وجود درک کنید؟ شاید این به نظر خیلی خام دستانه باشد، اما این وجود ندارد؛ این بی‌معنی است و این پوچی، کار من است.» (Lodermeyer, 2010, 43)

برای اوپالکا، زمان مدام به گونه‌ای خطی بدون تکرار حرکت می‌کند. همانگونه که اوپالکا در جلسه‌ای در ونیز در آوریل ۲۰۱۰ به دجونگ گفت، او نمی‌تواند حتی اعدادی را که بر روی ضبط صوتش دارد را تکرار کند. به عنوان مثال، بازسازی یک نوار از دست رفته که در آن او عدد ۱,۰۰۰,۰۰۰ را گفته است غیرممکن است، زیرا صدای او در طول زمان تغییر کرده است. اوپالکا آن را با یک رودخانه مقایسه می‌کند: «اثر من چیزی شبیه رودخانه است، اما رودخانه تنها یک جهت دارد» (Lodermeyer, 2010, 41). هنرمند خود را به عنوان یک آگنوستیک به تصویر می‌کشد. با توجه به نقاشی‌هایش، او عدد "۱" را به عنوان یک انفجار بزرگ توصیف کرده است. اما "۱" مطابق نظر اوپالکا نه تنها آغاز است، بلکه "۱" همه چیز، یک واحد است. هنرمند همچنین استدلال می‌کند که او می‌تواند نقاشی را بعد از به ترسیم کشیدن عدد "۱" بکشد، زیرا پتانسیل آن شامل تمام اعداد طبیعی‌ای است که بصورت متوالی می‌آیند. اوپالکا اضافه کرد که تولد واقعی اثر فقط اطلاعات اجرایی محض است؛ منابع واقعی در مفهوم هستند.

۸- نقش مفهومی اعداد در آثار تاتسو میاجیما:

در آثار هنرمند ژاپنی تاتسو میاجیما^۱ (۱۹۵۷، ژاپن) بیان مفهومی اعداد به طور موثری از طریق ال‌ای دی‌هایی به دقت برنامه‌ریزی شده، منتقل می‌شود. هدف او بالا بردن آگاهی از چیزی است که او آن را "زندگی" می‌نامد؛ یک مفهومی که وابستگی متقابل به زمان و اعداد وجود دارد.

میاجیما از دهه ۱۹۸۰ بر زمان از طریق نمایش اعداد متمرکز شده است. درست مانند اوپالکا، میاجیما از اعداد برای بیان حرکت و تغییر استفاده می‌کند، زیرا، به گفته وی، اعداد قابل فهم هستند. با این حال، بر خلاف اعداد با دست نقاشی شده‌ی اوپالکا بر بوم سنتی، میاجیما "زندگی" را با اعدادی از ال‌ای دی در قطعات چیدمانی نشان می‌دهد که هم بزرگتر و هم ظریف و شکننده تر هستند که تقریباً به لحاظ ظاهری آسیب‌پذیر به نظر می‌رسند (تصویر ۴-۲۲). او در توضیح "شمارنده"^۲، بیان می‌کند، احساس «گذر زمان، ریتم را با سرعت شمارش می‌دهد» (Lodermeyer, 2010, 315). هر ال‌ای دی در آثار مفهومی میاجیما دارای سرعت از پیش تعیین شده خود است. گاهی اوقات ب تعداد ۱۰۰۰ لامپ متفاوت، سرعت‌های مختلفی را به نمایش می‌گذارد. در اینجا جزئیات محاسبه شده‌ی وجود دارد. هر شمارش معکوس یا شمارش اعداد، نشان‌دهنده‌ی زندگی فردی است. تغییرات تفاوت بین طول عمر فردی را شبیه‌سازی می‌کند: زندگی برخی افراد از ۱۰۰ سال می‌گذرد؛ در حالی که برخی در جوانی می‌میرند.

آثار متنوع میاجیما با اجراهایش آغاز شد. او شروع به ساخت چیدمان‌های مفهومی کرد، و سپس دوباره با پروژه‌های عمومی خود چیدمان‌های دو بعدی و سه بعدی خود را تغییر داد. با وجود این تنوعات کاری، آثار چند رسانه‌ای میاجیما بلافاصله قابل تشخیص هستند. اکثر آن‌ها با ال‌ای دی‌هایی از اعداد ساخته شده‌اند که از عدد ۱ تا ۹ به بالا و یا از ۹ تا ۱ به پایین شمارش می‌شوند. عدد صفر نشان داده نشده است. به این ترتیب، همانطور که میاجیما توضیح می‌دهد، این عدم وجود عددی مشارکت‌بیننده را در بر می‌گیرد. عدم ظهور صفر از لامپ‌های روشن اعداد دیگر "بلندتر و رساتر" است.

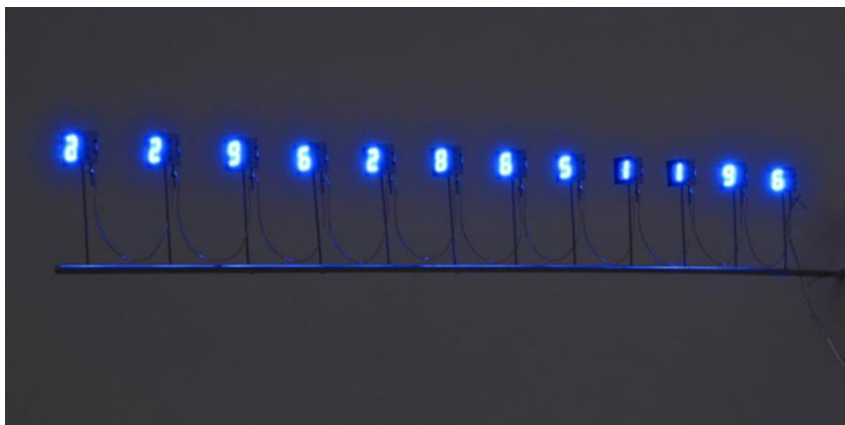
«یک چیز دیگر [۰...۰] تاکید بر حذف عدد صفر است. به عنوان مثال، ۹، ۸، ۷... اعداد به ترتیب پایین می‌آیند. عدد صفر به طور طبیعی با پیش‌بینی می‌رسد. در حال حاضر صفر باید برسد، آن تاریک می‌شود (بدون عدد). بنابراین، می‌توانید فکر کنید که چرا هیچ صفری وجود ندارد. در اینجا، شما می‌توانید در مورد صفر فکر کنید. بنابراین، اعداد به ترتیب پایین می‌آیند و مرتب

^۱ Tatsuo Miyajima

^۲ Counter

می شوند، این بسیار مهم است و در واقع، این بیان من است که مخاطبان به طور آگاهانه تجربه کنند» (Lodermeyer, 2010, 317).

برای مثال، در سال ۲۰۰۳ چیدمان مفهومی "شمارنده تهی"^۱ (تصویر ۶) در منطقه ی راپونجی^۲ توکیو چیدمان شده است. میاجیما در برابر سر و صدای زندگی شبانه در راپونجی می رود و ایجاد آگاهی از وجود خود ما می کند. این اثر ۴,۸۷ متر ارتفاع و ۴۹,۹۸ طول دارد. بیننده از نظر اندازه اعداد و همچنین نور اطراف اعداد، مسحور می شود. مواجه با اعداد شمارنده ها در حضور بی رحمانه ترسناک اش شاید هیجان انگیز است. بیننده باید برای دیدن کار جرثقیل باشد و گرنه با نزدیک شدن نمیتواند تمامیت آن را دریافت کند. میاجیما عدم وجود عدم صفر، 'Ku' به عنوان مرگ را توضیح می دهد: «راپونجی [شهر] شب است و [با] تمایلات بیش از [در] روز است. من جرات می کنم "مرگ" را در چنین شبانه ای در راپونجی بیاورم، "تاریکی" را به مرکز رسانه های جمعی به ارمغان بیاورم. این اثر هنری سیاهچاله "مرگ" و "تاریکی" را ایجاد می کنند و فرصتی برای فکر کردن به "زندگی عمیق" را ارائه می کند» (میاجیما، ۲۰۱۳، وب سایت رسمی هنرمند)



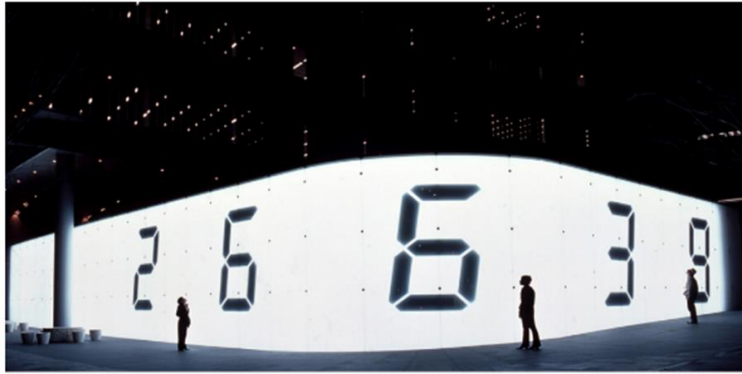
تصویر ۵- تاتسو میاجیما، C.F. 3 Protrusensitive, 2007، ابعاد: ۶۶,۵ × ۱,۳ × ۵۸,۲ سانتی متر. ۱۲ ال ای دی، تاتسو میاجیما و گالری لیسون، لندن، انگلستان. (مأخذ: وب سایت رسمی هنرمند www.tatsuomiyajima.com)

در مفهوم عددی او از زمان، این اعداد مرئی از ۱ تا ۹ نشان دهنده زندگی است، در حالی که صفر به عنوان همتای آن عمل می کند. برای میاجیما، صفر لحظه مرگ است؛ از آنجا که مرگ قابل مشاهده نیست، یک لحظه تاریکی آن را نشان می دهد. اما هیچ چیز تنها چیز از معانی عدد صفر در کار میاجیما است.

در مقابل، معنای دیگر عدد صفر "وسعت زیاد" است که هنرمند توسط آن، امکان و پتانسیل آینده نشان می دهد. لحظه تاریکی در نتیجه به همان اندازه امکان یک شروع جدید، یک زندگی جدید است. علاوه بر این، عظمت صفر نشان دهنده بی نهایت غیر قابل تصور است را ممکن میسازد، اما غیر قابل تصور است. بازتاب آن صفر به معنای هر دو چیزی است و به علاوه، میاجیما به معنی اصلی خود باز می گردد. او در سخنرانی اش در گالری تیت مدرن در لندن در تاریخ ۲۴ آوریل ۲۰۱۰، مرگ را به عنوان حالت خواب، آماده سازی برای تولد بعدی توضیح داد. "زندگی" شامل زندگی و مرگ است. در کار خود هنرمند این به عنوان قابل مشاهده و غیر قابل مشاهده است. میاجیما، یک مفهوم منحصر به فرد از ایده خودش را که "زمان، زندگی است" رد می کند؛ او اصرار دارد که آن را واقع بینانه بپذیرد. «اثر من [..] زمان، فضا و زندگی را نشان نمی دهد. آثار من سعی می کنند با «زمان»، «فضا» و «زندگی» زندگی کنند» (Lodermeyer, 2010, 312). میاجیما به جای نظریه دادن درباره زمان، به تماشاچیان فرصت می دهد که زندگی خود را مورد بازرسی قرار دهند. او، با این حال، تفسیر شخصی خود را از زمان می دهد. در سال ۱۹۸۷ هنرمند سه مفهوم محوری را بیان کرد: ۱. در حال تغییر ۲. برای همیشه ادامه دهید ۳. با همه چیز ارتباط برقرار کنید. اگر چه دو مفهوم اول به نظر می رسد یک شخص غربی اضافی است، میاجیما به صراحت می گوید که در اندیشه شرق "در حال تغییر بودن" و "ادامه دادن برای همیشه" یکسان نیست. این سه با هم، مفهوم "زندگی" را شامل می شود.

۱ Counter Void

۲ Roppongi



تصویر ۶- تاتسو میاجیما، شمارنده تهی، ۲۰۰۳، نئون، شیشه، IC، آلومینیوم، سیم برق ۵۰ × ۵ متر (نصب) / ۱ واحد:
۲،۲ × ۲،۲ متر مربع × ۶ عدد. توکیو، ژاپن. (مأخذ: وب سایت رسمی هنرمند www.tatsuomiayajima.com)

هر ال ای دی در آثار میاجیما با تغییر ثابتی تنظیم شده است. او توضیح می دهد: «همه چیز در حال تغییر است، زندگی در حال تغییر است. . . حتی "در حال تغییر" دائما در حال تغییر است (Lodermeyer, 2010, 313). ال ای دی ها به ترتیب ۱، ۲، ۳ شمارش می شوند. . . ۷ یا ۸، ۹، ۱۰. شماره بعدی در دنباله ای قابل پیش بینی است. هنگام شمارش به عقب ۸، ۹، ۱۰. اعداد در یک نظم قابل پیش بینی فرود می آیند، اما در صفر، نور خاموش می شود و عدد وجود ندارد. بعد از این لحظه تاریک صفر، شمارش دوباره شروع می شود. اعداد ادامه می یابند، احتمالا برای همیشه. دو حرکت تغییر و تداوم، عناصر متقابل در «زندگی» میاجیما است. او می گوید: «آنچه برای همیشه ادامه می یابد "زندگی" است، جایی که عناصر اصلی تولد و مرگ است. هر دوی این تغییرات و روند تغییر برای همیشه ادامه خواهد داشت. "زندگی" برای همیشه، همیشه در حال تغییر است.» (Lodermeyer, 2010, 313). اما مفهوم "برای همیشه" هیچ ارتباطی با دائمی ندارد که هنرمند آن را به عنوان یک مفهوم غربی ببیند. در حالیکه دائمی بودن ممکن است در "برای همیشه ادامه یابد" این ممکن است نیز تا حدی حالت سکون یا رکود را القاء کند در مقابل Weltbild شرقی تصور می کند که "شکل با حرکت تغییر می کند و این برای همیشه ادامه می یابد. جنبش، نه شرایط، ابدی است. میاجیما می افزاید: "دائمی"، که ما از آن استفاده می کنیم، اما یک روز ما انسانها یا زندگی یا مرگ است. "تغییر با حرکت" نمی میرد» (Lodermeyer, 2010, 312).

سومین مفهوم میاجیما "با همه چیز ارتباط برقرار کنید" اغلب در ترکیبی از ال ای دی هایی با مواد فنی و طبیعی تجسم می شود. در یکی از آثار هنری، پروژه ی "زندگی انباشته شده" ۱، ال ای دی ها با گلدان ارتباط دارند (تصویر ۷)، که ترکیب طبیعت و تکنولوژی است. در چیدمان های میاجیما به ندرت با یک ال ای دی شمارش معکوس برخورد می شود. اما حتی یک ال ای دی منعکس کننده وحدت اعداد: به عنوان مثال، شماره ۸ به صورت دیجیتالی از هفت قسمت ساخته شده است. با استفاده از برنامه های نوآورانه "روشن" و "خاموش" از این هفت بخش، تمام اعداد را می توان ایجاد کرد: ۸ بدون دو خط چپ ۳ را ایجاد می شود؛ بدون گوشه ی بالا سمت راست، ۶ است. میاجیما توضیح می دهد: «در واقع، شماره ۸ شامل تمام اعداد است. این نشان می دهد که یکی تعداد زیادی است و بسیاری از آنها یکی هستند. یک انسان همان شخص است، اما شخصیت انسان بارها (بسیاری) تغییر می کند. اما این تنها یک زندگی انسانی است (یک). "زندگی" یک فرم (یک) است. این یک زندگی چند بار (بسیاری) تغییر می کند. عدد ۸ شامل تمام این تصاویر



تصویر ۷- تاتسو میاجیما، زندگی انباشته شده شماره ۸، ۲۰۰۸، ۸۴ × ۶۴ × ۶۴ سانتی متر LED، IC، سنگ (پومیس)، سیم برق، گالری هنرمند و لیسون، لندن، انگلستان. (www.palazzobembo.org)



تصویر ۸- تاتسو میاجیما، هوتو، ۲۰۰۸، ۵۴۹ × ۲۰۸ سانتی متر، ال ای دی، سیم برق، فولاد ضد زنگ، قاب آهن، گالری هنر معاصر، توکیو، ژاپن. (مأخذ: وب سایت رسمی هنرمند www.tatsuomiyajima.com)

به این ترتیب، هر ال ای دی یک واحد یا کل است که شامل همه چیز است: زندگی و گذر از زمان زندگی از طریق اعدادی که پایداری بی پایان خود را تغییر می دهد به طور مداوم به مرگ منجر می شود، نشان دهنده عدم وجود تعداد قابل پیش بینی و ضروری صفر است.

در حالی که تغییر، تداوم و اتصال به طور کلی پویایی زندگی پذیرفته شده است، میاجیما مفهوم دیگری را توصیف می کند که به طور خاص به هر بیننده اشاره می کند: "هنر در شما". در اینجا هنرمند آگاهی در مورد "زندگی" را با انگیزه تماشاگر برای مقابله با خودش، افزایش می دهد. میاجیما توضیح می دهد:

«مفهوم من از "هنر در شما" این است که اثر از یک آینه استفاده می کند که در داخل بدن مخاطبان طرح افکنی می کند و مخاطبان، هنر را درون خود کشف می کنند. آنها "این هنر" را که قبلاً در آنها دیده شده را متوجه می شوند. آثار هنری من، وسیله ای برای مخاطب است که توجه خودشان را به هنرشان جلب کنند. در غیر این صورت، بدون اطلاع قبلی از آن، ما با دیدن آثار هنری که از یک فرهنگ، زبان و مذهب کاملاً متفاوت است، حرکت نخواهیم کرد» (Lodermeyer, 2010, 312)

میاجیما با واکنش به رویدادهای جهانی این آینه را ارائه می دهد: برای مثال، پروژه "زندگی انباشته شده"، به بلایای طبیعی رجوع می کند و بیننده را با انتخاب یک سرعت خاص برای ال ای دی های "شمارنده" دعوت می کند. این مشارکت بیننده چیزی است که میاجیما آن را "زمان شخصی" می نامد که تجربه ی فردی از زمان در یک رویداد است که بسته به وضعیت احساس می کند طولانی تر و یا کوتاه تر شده است. برای میاجیما این درک حیاتی از زمان است: «"زمان" قطعاً یک چیز شخصی است. مفهوم زمان که در گرینویچ در سال ۱۸۸۴ آغاز شد، تفسیر مفهومی مدرنیسم جدید بود. این بر اساس جهان و یک نظریه کلی غیر شخصی است. اساساً، "زمان" همان مرگ فردی است. باید بسیار شخصی باشد مرگ فردی در انواع مختلفی از تمایزات وجود دارد. یکی که از دیگران نیست» (Lodermeyer, 2010, 312). به عبارت دیگر، با وجود همه جا تغییر دائمی، پیوستگی دائمی و متحد شدن یکپارچگی، در هسته شخصی، فردی و تجربه منحصر به فرد از زمان، خودش را در عامل انسانی تحمیل می کند. بیننده به کار کشیده شده است. اگر آن را از طریق قدرت مسحور ال ای دی شمارنده نیست، از طریق استفاده از سطوح آینه ای، مانند آنچه در اثر "هوتو" (تصویر ۸) است.

۹- نتیجه گیری

هنرمندان معاصر از ظرفیت مفهومی که در نمایش اعداد وجود دارد، سعی کرده اند آثاری متفاوت از اعداد را به نمایش بگذارند. پتانسیلی که در اعداد وجود دارد هنرمندان را قادر ساخته که مفاهیم استعاری را از طریق اعداد به نمایش بگذارند؛ هنرمندانی نظیر اون کاوارا، رومن اوپالکا و تاتسو میاجیما هر کدام صرفاً به ترسیم اعداد بسنده نکردند، بلکه پیام های هنری خود را در قالب اعداد به مخاطبین عرضه کرده اند. در آثار هر سه هنرمند مقوله زمان با ترسیم اعداد به نمایش در آمده است. اون کاوارا از اعداد برای نمایش زمان برای یک مدت زمان مشخص استفاده کرده است که نوعی مدیتیشن و مراقبه با الهام گیری از آیین ذن را به همراه دارد. در آثار رومن اوپالکا نمایش اعداد به گونه ای برای نمایش زمان می باشد؛ آثار اوپالکا نشان دهنده تصاعد اعداد از ۱ تا بی نهایت است. نمایش اعداد در آثار او با زندگی شخص هنرمند همپوشانی دارند و زمان مدام به گونه ایی خطی بدون تکرار از

طریق نمایش اعداد حرکت می کند. اوپالکا نه تنها پوچی هنر بلکه پوچی وجود و زمان را به کمک ترسیم اعداد به نمایش می گذارد. در آثار این هنرمند لهستانی، اعداد به بهترین نحو در مورد تضاد، پویایی، یکپارچگی، و گسترش زمان را انجام می دهند. تانسو میاجیما، هنرمند مفهومی دیگری است که در اینستالیشن هایی که در بر دارنده اعدادی با ال ای دی های مخصوص است، هر شمارش معکوس یا شمارش اعداد، نشان دهنده ی زندگی فردی است و از این مدل برای تغییرات تفاوت بین طول عمر فردی را شبیه سازی می کند هر ال ای دی یک واحد یا کل است که شامل همه چیز است: زندگی و گذر از زمان زندگی از طریق اعدادی که پایداری بی پایان خود را تغییر می دهد به طور مداوم به مرگ منجر می شود، نشان دهنده عدم وجود عدد صفر است. از طرف علاوه بر عدد ۰، عدد ۸ در آثار وی به این دلیل که در بر دارنده همه ی اعداد است، اهمیتی ویژه دارد. نتیجه کلی که از نقش اعداد در ارائه مفهومی آثار هنر معاصر حاصل می شود حاکی از ارتباط اعداد برای نمایش زمان وجود دارد که هنرمندان از قالب های گوناگونی برای نمایش این مفهوم انتزاعی استفاده کردند.

منابع

۱. آزیورن، پیتر. (۱۳۹۳) هنر مفهومی. مترجم: نغمه رحمانی. تهران: نشر مرکب سفید.
۲. بمانیان، محمدرضا و صفاییپور، هادی، (۱۳۹۱)، بررسی نقش کمی و کیفی اعداد در معماری اسلامی « ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۸.
۳. سرلو، خوان ادواردو، (۱۳۸۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: دستان.
۴. رامین، علی و همکاران، (۱۳۸۹)، دانشنامه دانش گستر، تهران: مؤسسه دانش گستر روز.
۵. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
۵. ممتحن، مهدی و خزاعی، مجید، (۱۳۹۰)، نگاره های نمادین اعداد در قرآن، اسطوره و ادبیات، نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۹.
۶. یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۷۷)، انسان و سمبولهایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی
7. Lodermeyer, Peter. (2013) Personal Structures: Works and Dialogs. New York: Global Art Affairs Publishing,
8. Lodermeyer, Peter. Karlyn De Jongh and Sarah Gold. (2007). Personal Structures: Time—Space. New York: Global Art Affairs Publishing